

نقد و بررسی کتاب ابن سینا و تمثیل عرفانی

مریم صانع‌پور*

چکیده

در این مقاله کتاب *ابن سینا و تمثیل عرفانی* و گفتمان پدیدارشناسانه کربن به حکمت سینوی تحلیل و ارزیابی شده است. رویکرد پدیدارشناسانه کربن در این کتاب، برخلاف رویکردهای سوپژکتیو اکثر شرق‌شناسان غربی، می‌تواند باب گفت‌وگویی منصفانه را میان فرهنگ‌های گوناگون باز کند که این تعامل فکری - فرهنگی به بارور شدن اندیشه و فرهنگ طرفین گفت‌وگو منجر خواهد شد. برای مثال، در این کتاب زمینه گفت‌وگو میان عقلانیت اشراقی شیعی و عقلانیت انتزاعی غربی فراهم و هم‌چنین مقایسه سنت شرقی سینوی با سنت غربی هرمسی امکان‌پذیر و در نتیجه تأثیر و تأثر اندیشمندان شرق و غرب بر یکدیگر از گذشته تا حال بررسی می‌شود. نکات دیگری که به عقیده نویسنده این مقاله از کتاب کربن برداشت می‌شود توجه به زمینه‌های گفت‌وگو میان اسطوره‌های غربی و اسطوره‌های شرقی است که موجب مفاهمه بیش‌تری میان فرهنگ‌های غرب و شرق می‌شود. یکی از نکات برجسته کتاب نگاه برون‌دینی هانری کربن به مسئله امامت در شیعه امامیه است که می‌تواند زمینه‌های مناسبی برای پژوهشگران شیعه فراهم کند تا در گفت‌وگوی میان - فرهنگی درباره اعتقاداتشان به فاهمه جهانی نیز توجهی درخور داشته باشند تا معرفی صحیح آموزه‌های معرفتی‌شان امکان برداشت‌های غالیانه و ناصحیح را متفی کند.

کلیدواژه‌ها: حکمت سینوی، حکمت هرمسی، عقلانیت شرقی، عقلانیت غربی،
سلامان و اِسال.

* استادیار پژوهشکده غرب‌شناسی و علم‌پژوهی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی،

www.saneapour@ihcs.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۲/۱۸، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۲/۱

۱. مقدمه

کتاب *ابن سینا و تمثیل عرفانی* در ۶۳۹ صفحه به کوشش انتشارات سوفیا، وابسته به بنیاد علمی و فرهنگی بوعلی سینا، چاپ و منتشر شده است. عنوان اصلی کتاب *Avicenne et le Recit Uisionnaire* است که ترجمه انگلیسی آن با عنوان *Avicenna and the Visionary Recital* چاپ شده و انشاءالله رحمتی آن را به فارسی ترجمه کرده است.

کتاب *ابن سینا و تمثیل عرفانی* با پیش‌گفتار مترجم آغاز می‌شود. بخش اول کتاب به دوره تمثیل‌های سینایی اختصاص داده شده است؛ فصل اول از این بخش مشتمل بر جهان سینایی و تمثیل عرفانی است؛ در فصل دوم، مکتب ابن‌سینا و فرشته‌شناسی واکاوی می‌شود؛ فصل سوم به مطالعه و بررسی رساله *حی بن یقظان* اختصاص دارد؛ در فصل چهارم، *رساله الطیر* ابن‌سینا بررسی می‌شود و طیران عرفانی را تا حماسه عرفانی عطار یعنی *منطق الطیر* به پیش می‌برد؛ در فصل پنجم، تمثیل سلامان و ایسال پژوهش و تحلیل می‌شود و سرانجام کربن در پایان بخش اول کتاب، یعنی ختم مقال یا چشم‌اندازهای سینایی، نسبت میان مکتب سینایی و مذهب امامیه را بررسی می‌کند. هانری کربن، در بخش دوم کتاب، رساله *حی بن یقظان* را تفسیر و تشریح می‌کند.

۲. نقد و بررسی کتاب

شکل ظاهری کتاب از قبیل طرح روی جلد، صفحه‌بندی، و حروف‌چینی کاملاً با محتوای فلسفی - عرفانی آن تناسب دارد.

در این قسمت، کتاب (از نظر تألیف و ترجمه) در دو بخش نقد و بررسی می‌شود:

۱.۲ نقد و بررسی ترجمه

۱.۱.۲ از نظر صورت

ترجمه ارزشمند کتاب، با وجود معادل‌های خوب مترجم برای اصطلاح‌های تخصصی، گاهی دچار ابهام است. شاید دلیل این ابهام استفاده از جملات طولانی باشد که گاه چند جمله معترضه را در بر گرفته است. اگر جملات کوتاه‌تر شوند، شاید این ابهام‌ها مرتفع شود. در برخی مواضع کتاب امانت‌داری ستودنی آقای رحمتی در برگرداندن متن موجب شده تا فصاحت بیان فدای رعایت امانت شود. به هر حال، این نکات صوری که می‌تواند در چاپ‌های بعدی اصلاح شود از ارزش کار مترجم محترم نمی‌کاهد.

۲.۱.۲ از نظر محتوا

انتخاب شایسته انشاءالله رحمتی در معرفی آثار هانری کربن^۱ شایان تقدیر است. وی با تمرکز بر آثار این اسلام‌شناس فرانسوی دریچه‌ای جدید به روی دوست‌داران حکمت شیعی - ایرانی گشوده و پژوهندگانی که در پی کشف میراث فکری - معنوی اسلام‌اند می‌توانند با مذاقه در روش‌شناسی هانری کربن راه‌های جدیدی را برای واکاوی اندیشه‌های غنی اسلامی و مقایسه آن‌ها با سایر اندیشه‌ها کشف کنند. این آگاهی‌بخشی موجب می‌شود که زمینه استخراج معارفی ارزنده از معادن بکر و دست‌نخورده حکمت اسلامی - ایرانی فراهم شود و پژوهشگران ایرانی در جهت روزآمد شدن آن گنجینه‌ها تلاش‌های نظام‌مندی انجام دهند. پی‌گیری مجدانه رحمتی در مسیری معین و اجتناب از تغییر زمینه‌های پژوهش و ترجمه در آثارش موجب شده است تا وی به تبحر و تخصصی شایسته در آثار هانری کربن دست یابد و ترجمه‌های جدیدش محققانه‌تر و صاحب‌نظرانه‌تر از ترجمه‌های قدیمی‌ترش باشد. پیش‌گفتار تقریباً ۷۰ صفحه‌ای مترجم بر کتاب *ابن‌سینا و تمثیل عرفانی مجمع‌البحرینی* را نمایش می‌دهد که از تلاقی دیدگاه رحمتی (که خصوصیتی درون‌فرهنگی دارد) و دیدگاه کربن (که خصوصیتی برون‌فرهنگی دارد) تشکیل شده است. رحمتی در این پیش‌گفتار برخی زمینه‌های گفت‌وگو و تعامل میان این دو دیدگاه را مطرح کرده است که می‌تواند راه‌گشای آثار بعدی وی و نیز آثار اندیشه‌ورزان حکمت اسلامی باشد تا حقایق دیگری آشکار و لوازم تعامل جدید اندیشمندان ایرانی با فرهنگ‌های موجود جهانی فراهم شود. رحمتی با نقادی اندیشه ابن‌سینا و مقایسه آن با تفکر دکارت (ص ۶۱) نشان داده است که اگر متفکران جامعه ما وارد حوزه تطبیق و مقایسه، خواه در بُعد درون‌فرهنگی و خواه در بُعد برون‌فرهنگی، نشوند قادر به نقد آثار و افکار مشاهیر ایرانی - اسلامی نیز نخواهند بود؛ زیرا اندیشه‌ورزی خصوصیت همه انسان‌هاست و فقط حضور تحلیل‌گرانه و منصفانه در همه فرهنگ‌ها و دایره فکری همه متفکران است که موجب آگاهی از ضعف‌ها و قوت‌های اندیشه‌هایمان می‌شود، در حالی که بررسی انتزاعی حکمت دینی - ایرانی بدون تعامل با سایر حکمت‌ها موجب می‌شود تا نتوانیم تحلیل منصفانه و مفیدی از آثارمان داشته باشیم. در همین زمینه، مترجم کتاب هویت شخصی انسان در آرای هیوم^۲ و ملاصدرا^۳ را مقایسه کرده است (ص ۵۵) و این مناظره میان فیلسوف غربی و فیلسوف اسلامی، به لحاظ روشی و محتوایی، می‌تواند نمونه مناسبی را برای پژوهشگران و خردورزان جامعه علمی ایرانی فراهم کند.

۲.۲ نقد و بررسی تألیف

این کتاب ترجمه‌ی یکی از آثار برجسته‌ی هانری کربن است. این فیلسوف و متکلم فرانسوی در سال ۱۹۰۳ میلادی متولد شد و در ۱۹۷۸ بدرود حیات گفت. کربن استاد مطالعات اسلامی در دانشگاه سوربن پاریس بود. شاید بهتر باشد برای بررسی کتاب *ابن‌سینا و تمثیل عرفانی* ابتدا از روش‌شناسی پدیدارشناسانه‌ی این اسلام‌شناس غربی سخن گفته شود، زیرا آنچه آثار وی را در میان آثار اسلام‌شناسان غربی برجسته کرده است روش پدیدارشناسانه‌ی (phenomenological) وی است. هانری کربن با این روش حکمت سینوی و حکمت‌های غیرایرانی را مقایسه‌ی میان - فرهنگی کرده است. او با روش پدیدارشناسانه‌اش حکمت ابن‌سینا و سایر مشرب‌های حکمی ایرانیان مسلمان را نیز مقایسه کرده است.

۱.۲.۲ مقایسه‌ی میان - فرهنگی

خاورشناسان زیادی فرهنگ و تمدن ایران اسلامی را مطالعه و بررسی کرده‌اند، اما آثار هانری کربن از سنخ دیگری است؛ زیرا اکثر خاورشناسان غربی اندیشه‌های غیرغربی را به‌مثابه‌ی متعلق شناسای خود بررسی و، در رویکردی سوژکتیو، پیش‌فرض‌های ذهنی خود را به موضوع تحقیق خود تحمیل کرده‌اند. در حالی که کربن در رویکرد پدیدارشناسانه‌ی خویش، به‌تبع ادموند هوسرل، به‌گونه‌ای نظاممند در ساختارهای پدیداری تفکر اسلامی - ایرانی مذاقه کرده است. این روش پدیدارشناسانه کاملاً با روش سوژکتیو دکارتی، که پیش از کربن اکثر خاورشناسان به‌کار می‌گرفتند، متفاوت است؛ زیرا در روش سوژکتیو فرهنگ اسلامی در ذهنیت برتری‌طلب غربی استحاله می‌شد و تصویری فرعی و ثانوی از اسلام در مقایسه با ارزش‌های فرهنگی و فکری غرب ارائه می‌شد، اما پدیدارشناسی هانری کربن شخصیت‌های فکری - فرهنگی اسلام ایرانی را در رویکردی اصیل و قائم به خود معرفی کرده است که می‌توانند هم‌عرض و هم‌ارزش با شخصیت‌های فکری - فرهنگی غرب مطالعه و بررسی شوند. او در آثار خویش تعامل منصفانه‌ای میان غرب و شرق ایجاد کرده و مقایسه و تطبیق مشاهیر این دو گفتمان فکری را در ارتباطی بی‌طرفانه طراحی کرده است. برای مثال، در فصل دوم کتاب *ابن‌سینا و تمثیل عرفانی* (ص ۱۶۷) وجوه اختلاف ابن‌سینا و افلاطون را در رویارویی غیرجانبدارانه‌ای بررسی می‌کند. وی هم‌چنین در روشی بی‌طرفانه به این نتیجه می‌رسد که حکمت مشرقی ضرورتاً مستلزم مخاطره‌ای غیرعقلانی نیست، بلکه بیانگر عقلانیتی است که همواره در معرض افاضه‌های اشراقی قرار دارد (صص ۱۳۷-۱۳۹). هانری کربن به این ترتیب وجه تمایز عقل شرقی با عقل غربی را تبیین

می‌کند. این تمایز می‌تواند زمینه بسیاری از پژوهش‌های محققان ایرانی - اسلامی قرار گیرد تا پژوهشگران عقلانیتی متعالی و اشراق‌محور طراحی کنند، حدود و ثغور این عقلانیت شرقی را معین و ارتباط آن را با عقلانیت غربی بررسی کنند؛ زیرا طبق آموزه‌های اسلامی عقل از جنود الهی است و شاید رابطه مراتب گوناگون عقول با یکدیگر (به‌مثابه مبنای فرهنگ‌های عقل‌گرای گوناگون) بتواند به تعامل و گفت‌وگوی فرهنگ‌ها با یکدیگر نظم و نسق جدیدی ببخشد و شاید امکان طراحی عقل جمعی محیط بر عقول گوناگون در فرهنگ‌های متفاوت فراهم شود تا تنازع و تضاد عقل‌گرایی در فرهنگ‌های گوناگون به تفاهم و هم‌راهی تبدیل شود. هانری کربن در مقایسه عقل اشراقی ابن‌سینا و عقل انتزاع‌کننده غربی معتقد است عقل سینوی مبتنی بر فرشته است؛ یعنی عقل‌شناسی حکمی و اشراقی به‌معنای فرشته‌شناسی است. وی از دو فرشته محافظ انسان به‌عنوان دو قوه عقلی یعنی عقل نظری و عقل عملی نام می‌برد که عقل نظری، یعنی فرشته سمت راست، می‌نویسد و عقل عملی، یعنی فرشته سمت چپ، عمل می‌کند. وی فرشته را همان فعلیت نفس انسان معرفی می‌کند (ص ۱۴۶) و معتقد است نفس بشری فرشتگی خویش را، که دقیقاً به‌دلیل زمینی بودنش بالقوه است، به‌فعلیت می‌رساند (ص ۱۵۳). به این ترتیب، هانری کربن با طراحی علم‌النفس یا فرشته‌شناسی سینوی زمینه مناسبی را برای بررسی، تحلیل، و مقایسه نفس‌شناسی شرقی و غربی ارائه می‌دهد.

هانری کربن بدون هیچ تعصبی از اصطلاح «مکتب آگوستینی سینیایی مآب» سخن می‌گوید که اتین ژیلسون به‌کار برده است (ص ۲۲۰). وی به این ترتیب تفکر غربی را در برخی وجوه متأثر از فلسفه ابن‌سینا می‌داند. کربن که خاورشناسی فرانسوی است، با آسیب‌شناسی شکاف میان عقل و اشراق در تعالیم توماس قدیس، راه‌حل را از حکمت ابن‌سینا می‌جوید که اشراق را حاصل اتصال درونی انسان و فرشته معرفی کرده است تا شکاف میان عقل و اشراق از میان برداشته شود؛ به‌نظر کربن، وحدت میان عقل و اشراق در ابن‌سینا زاییده این امر است که در فرایند تعقل محسوسات علت آگاهی نیستند، بلکه فقط علت معدّه آگاهی‌اند که نفس آدمی را مستعد دریافت اشراق از عقول متعالی می‌کنند (صص ۲۲۳-۲۲۴). بنابراین، در چنین گفتمانی عقل انسان در تقابل با ملکوت قرار ندارد، بلکه تعیین و تحقق ملکوت است؛ همان‌گونه که میان صفت علم الهی و صفت خالقی هیچ شکافی وجود ندارد. هانری کربن شاه‌کلید اختلاف مبنایی غرب و شرق اسلامی - ایرانی را همین وحدت میان عقل و شهود می‌داند؛ وحدتی که در مقابل ثنویت عقل و شهود در گفتمان مدرنیته غربی قرار دارد؛ ثنویتی که زمینه حذف خدا در تفکر مدرن

می‌شود. به عبارت دیگر، مقایسه فرشته - عقل سینوی و الهیات تنزیهی مسیحی نشان می‌دهد که همین تنزیه و قطع رابطه عقل انسان با ملکوت به حذف خدا از عالم مدرن منجر شده است.

در کتاب *ابن سینا و تمثیل عرفانی* روش پدیدارشناسانه کربن موجب شده تا حکمت سینوی را به گونه‌ای بازخوانی کند که فرشتگان در جایگاه سلسله‌مراتبی‌شان عقول تشکیکی (ص ۱۵۸) تلقی شوند و در نتیجه عقل و عرفان، و ملک و ملکوت با یک‌دیگر به وحدت و یگانگی برسند؛ در حالی که به نظر کربن در گفتمان غربی فقدان این رابطه تنزیلی از عالم بالا (یعنی نزول فرشتگان در نقش پیام‌آوران معرفت و آگاهی) موجب تقابل و دوگانگی عقل و عرفان، ملک و ملکوت، و علم و ایمان در فرهنگ غرب شده است.

هانری کربن در کتاب *ابن سینا و تمثیل عرفانی*، علاوه بر وجوه تمایز میان عقل غربی و شرقی، به وجوه تمایز میان تمثیل هرمسی و تمثیل سینوی در قصه سلامان و ابدال نیز پرداخته است. وی می‌نویسد: سنت هرمسی در این قصه به شمایل‌نگاری نفسانی (ص ۳۷۲) پرداخته است، در حالی که تمثیل سینوی حکایتی تأویلی و حاوی رموزی از عالم بالاست؛ حکایتی تأویلی که با مجازگویی متفاوت است. خواجه نصیرالدین طوسی نیز به جای آن‌که در افقی عرفانی سلامان و ابدال را رمزگشایی کند، آن‌ها را به مرتبه ادراک روزمره تنزل داده است (صص ۳۸۸-۳۹۱). به هر تقدیر، واکاوی پدیدارشناسانه هانری کربن در قصه سلامان و ابدال روشی را پیش‌روی پژوهشگران مسلمان می‌گذارد تا دچار خلط میان رمز و مجاز نشوند. وی با بررسی تأویل در دو سنت غربی و شرقی زمینه‌های پژوهشی فراوانی را برای برقراری تعامل میان مبانی اندیشه‌های غربی و شرقی ایجاد می‌کند؛ زمینه‌هایی که می‌تواند در روش‌شناسی میراث‌های فرهنگی مان تأثیرگذار باشد.

تطبیق اسطوره‌های غربی و شرقی یکی دیگر از نکات جالب توجه کتاب *ابن سینا و تمثیل عرفانی* است. کربن با بررسی قصه سلامان و ابدال ابن سینا می‌نویسد: «پرومتوس»^۱ و «اپیتاموس» همان سلامان و ابدال اند و «پاندورا»^۲ اسطوره‌های یونان باستان همان حوا همسر آدم ابوالبشر است؛ به این ترتیب، در زمانه‌ای که فناوری‌های ارتباطی موجب گفت‌وگو و تعامل فرهنگ‌ها با یک‌دیگر شده‌اند، این اثر هانری کربن که علاوه بر وجوه افتراق فرهنگ‌ها به ریشه‌های مشترک فرهنگی نیز اشاره دارد به هم‌دلی بیش‌تر فرهنگ‌ها با یک‌دیگر کمک می‌کند. کربن، علاوه بر مقایسه‌های میان - فرهنگی، فیلسوفان و حکمای گوناگون شیعه در ایران را نیز مقایسه درون - فرهنگی می‌کند. شایان ذکر است که روش تطبیقی وی در این حوزه نیز راه‌گشای خوبی برای پژوهشگران و اندیشه‌ورزان است تا با

الهام از آن به صورتی غیرجانب‌دارانه محصولات فکری و فرهنگی سایر تمدن‌ها را ارزیابی کنند و با اخذ نکات مثبت آن‌ها به غنای فکری - فرهنگی خود بیفزایند.

هانری کربن با مقایسه سهروردی و افلاطون می‌نویسد: مُثُل افلاطونی در آثار حکمای ایرانی جای خود را به فرشته‌شناسی داده است و به تعبیر سهروردی هر شیء یا نوع محسوسی «طلسم» فرشته آن (یا طلسم رب النوع آن شیء) است. بنابراین، نوع محسوس به همان فرشته یعنی به «مکان» مواجهه سوق داده می‌شود، البته مشروط به این‌که نفس خواهان این مواجهه باشد (ص ۲۳۶).

مقایسه مبنایی کربن میان حکمت مشرقی در ایران و یونان از نکات مهم این اثر است. وی می‌نویسد «حی بن یقظان همان نقش جبرئیل مهین فرشته در مکاشفات دانیال، رافائیل یا میکائیل در مکاشفات خنوخ، اورئیل مهین فرشته در کتاب پنجم اسدراش را ایفا می‌کند» (ص ۲۹۲) و بدین‌گونه هانری کربن حکمت تطبیقی را برای شناخت بهتر ریشه‌ها و راهی برای جریان‌شناسی حکمت در فرهنگ‌های گوناگون معرفی می‌کند. وی هم‌چنین، با مطرح کردن فیلون و تجلیات قدسی، انگیزه پدیدارشناسانه سایر تجلیات قدسی را نیز تقریر می‌کند؛ آن‌جا که فیلون توضیح می‌دهد خداوند به همه نفوسی که هنوز تخته‌بند تن‌اند خویش را در قالب یک فرشته نشان می‌دهد؛ البته نه به این صورت که از آن پس در ذات خاص حضرتش فی‌نفسه تغییری ایجاد شود، بلکه هر نفسی تأثیر حضور خداوند را تحت صورتی متفاوت، که با نفسش متناسب است، دریافت می‌کند. در عین حال به هیچ‌وجه این شمایل را تقلید نمی‌داند، بلکه اطمینان راسخ دارد که شهودکننده خود صورت مثالی را مشاهده کرده است، که این امر دقیقاً همان موضوع تفرّد مبتنی بر مظهریت است که در عرفان جایگاه بسیار مهمی دارد (صص ۲۹۳-۲۹۴).

کربن درباره حکمت مشرقی پارمنیدس و آیین گنوسی والتیوسی نیز معتقد است، در منظومه پارمنیدس، شاعر با هدایت دختران خورشید عازم «سفری به سوی روشنایی» یعنی سفری به شرق می‌شود. شایان ذکر است که تمایز میان این دو جهت، راست و چپ، مشرق و مغرب عالم در آیین گنوسی والتیوسی تمایزی مبنایی است (ص ۲۹۹). کربن در روشی مقایسه‌ای از ارتباط توماس با ابن‌سینا و سهروردی نیز سخن می‌گوید و می‌نویسد: ما نمی‌توانیم وجوه اشتراک میان تمثیل هادی عارف در رهروی به سوی شرق در اعمال توماس را با تمثیل عارف در تمثیل‌های ابن‌سینا و سهروردی نادیده بگیریم؛ نکته‌ای که می‌تواند بیانگر مفهوم فلسفه یا حکمت مشرقی و نیز مفهوم دین مشرقی باشد. کربن هم‌چنین می‌نویسد: مشرق ابن‌سینا و سهروردی ابداع محض نبوده است (ص ۳۰۰). مطرح

کردن این نظریه از سوی کربن می‌تواند پژوهشگران حکمت اسلامی - ایرانی را به ریشه‌یابی حکمت مشرقی در حکمای پیش از ابن‌سینا و سهروردی ترغیب کند.

کربن در کتاب *ابن سینا و تمثیل عرفانی* نکات مهمی را درباره ترجمه مطرح می‌کند که توجه به آن نکات برای متخصصان فن ترجمه ضروری می‌نماید. او می‌نویسد: وقتی کسی مطلب ترجمه‌شده‌ای را بار دیگر و به زبانی دیگر ترجمه می‌کند، باید از آن مطلب به‌عنوان صفحه‌کلیدهای متعددی استفاده کند؛ درست مانند کاری که ما در ترجمه *حی بن یقظان* کردیم. به این صورت که فکر و زبان مؤلف اصلی، هنگام منعکس شدن در فکر و زبان شارحانش، ویژگی‌ها و تفاوت‌هایی را نمایان می‌کند که تا آن موقع ناشناخته بود. برای مثال، در ترجمه *حی بن یقظان* از دو ترجمه فارسی ساوجی و سهروردی بهره بردم و در ابتدا ترجمه‌ام را از پی‌نوشت‌هایی آکنده کردم که به تفاوت‌های جزئی در معنا و اختلاف‌های موجود میان متن و ترجمه‌های گوناگون و نیز به دلایلی توجه می‌داد که برای ترجیح‌های خویش داشتم؛ اما در نهایت مجبور شدم از این پی‌نوشت‌ها دست بکشم، زیرا به‌نظر می‌رسید تا زمانی که تصحیحی انتقادی از این متون در دست نیست نمی‌توان به نتیجه اتکاپذیری رسید و به‌علاوه تا زمانی که نتوانم ترجمه‌های فارسی دیگر را از متن مزبور در اختیار داشته باشم این اقدام ناقص است (ص ۳۳۹). به این ترتیب، دقت نظر همه‌جانبه کربن در ترجمه آثار می‌تواند الگوی خوبی برای مترجمان آثار گوناگون از زبان‌های دیگر باشد.

۲.۲.۲ مقایسه درون - فرهنگی

هانری کربن در این کتاب پیام سازنده‌ای را به پژوهشگران اندیشه ایرانی - اسلامی منتقل می‌کند؛ این که مکتب سینایی در دو عالم شرق و غرب سرنوشت‌های متفاوتی داشته است. در ایران نماینده این مکتب سنتی است که تا روزگار ما با وجود همه فراز و نشیب‌ها پابرجا مانده است. چنین سنتی باید با تصمیم درباره آینده‌اش علل موجودیت خویش [در آینده] را تعیین کند؛ تصمیمی که می‌تواند آینده‌ای مثبت را رقم زند، البته به این شرط که آن فلسفه سنتی که از مضامین ابن‌سینایی تغذیه کرده است به نشخوار کردن ضوابط قدیمی گرفتار نشود، بلکه بتواند بر مبنای تبیین خاص خود در دنیای کنونی همان مخاطره معنوی را که ابن‌سینا به آن مبادرت ورزید دیگر بار جامه عمل بپوشاند (ص ۹۴). نکته آموزنده پیام کربن اجتناب از نشخوار کردن ضوابط قدیمی است. وی معتقد است می‌توان بر مبنای تبیین خاص سنتی از فلسفه ابن‌سینا به‌گونه‌ای روزآمد با دنیای کنونی مواجه شد، هرچند این امر

مستلزم مخاطره معنوی عظیمی باشد. بر این اساس، کربن عقیده دارد میراث‌های گذشتگان پیام‌هایی پویا دارند که قابل روزآمد شدن هستند. بنابراین، بدون پروراندن میراث‌های فکری نمی‌توان تعاملی مفید با فضای تفکر امروزی داشت، چنان‌که غربی‌ها می‌توانند توماس مشرب یا آگوستین مشرب باشند، بی‌آن‌که احساس کنند دیگر فرزند زمانه خویش نیستند (ص ۹۹). باید توجه داشت که نسل جدید بشریت بیش از گذشته دست‌خوش تأثیرهای بیرونی و تزلزل روحی است؛ تا حدی که قادر نیست بر اساس فرهنگ سنتی خود سرمایه‌هایی را ایجاد کند (ص ۱۰۰).

هانری کربن با مقایسه درون - فرهنگی میان ابن‌سینا و شیخ اشراق می‌نویسد: ابن‌سینا به‌گونه‌ای دیالکتیکی بر شیخ اشراق تأثیر گذارده است (ص ۹۶). به‌بیانی دیگر، او معتقد است تمثیل‌های سهروردی ارائه همان تمثیل‌های ابن‌سینا، اما به‌بیانی دیگر، است (ص ۱۳۵). چنان‌که گفته شد، کربن معتقد است طبق آموزه‌های اسلامی فرشتگان همان عقول‌اند که در مراتب تشکیکی ملاحظه می‌شوند؛ وی در همین ارتباط رویکرد ظاهرینانه محدثانی مانند مجلسی را علت مخالفتشان با تأویل می‌داند؛ کربن در این باره می‌نویسد: مجلسی عقیده داشت همه مسلمانان از جمله امامیه وجود ملائکه را می‌پذیرند؛ به‌استثنای کسانی که به فلسفه اشتغال دارند، زیرا ایشان فقط با این هدف خود را مسلمان معرفی کرده‌اند که اصول و اعتقادات اسلام را تخریب کنند (ص ۱۵۸). بنابراین، به‌نظر می‌رسد شایسته است پژوهشگران جامعه علمی ایران رویکرد هانری کربن به محدثانی چون مجلسی را نیز مطالعه و به‌دقت بررسی کنند.

مطالعه کتاب *ابن‌سینا و تمثیل عرفانی* نشان می‌دهد که نگاه برون‌دینی هانری کربن موجب شده است تا برخی مسائل اسلامی به‌گونه‌ای غیرمتداول و خلاف واقع تعریف شود. برای مثال، وی عقیده دارد فرشته‌شناسی دومین اصل از اصول اعتقادی پنج‌گانه اسلام است. او اصول اعتقادی اسلام را شامل پنج اصل توحید، فرشتگان، رسولان، کتب مرسل، و روز قیامت (ص ۱۵۶) معرفی می‌کند که نیازمند نقادی درون‌دینی آثار کربن است.

با تأمل در کتاب *ابن‌سینا و تمثیل عرفانی*، برخی پرسش‌ها درباره سنت حکمی اسلامی - ایرانی مطرح می‌شود که یافتن پاسخ‌هایش نیازمند بازبینی و بازاندیشی آثار حکیمان اسلامی - ایرانی است؛ برای نمونه، درباره قصه سلامان و ابدال ابن‌سینا پرسش‌هایی مطرح می‌شود از این قبیل که:

- تأویل خواجه نصیر از سلامان و ابدال ابن‌سینا از چه جهاتی مفید و از چه جهاتی می‌تواند گمراه‌کننده باشد؟

- صورت‌های مطرح در قصهٔ سلامان و ابسال را برای درک معناهایشان با کدام خانواده یا مجموعه از رمزها می‌توان مرتبط کرد؟

- تفسیر حکایت سلامان و ابسال را در ارتباط با فصلی از *اشارات* که به شرح و بیان تجارب عارفان می‌پردازد (مقامات العارفین) چگونه باید فهم کرد؟ (ص ۳۹۱). چنان‌که کرین معتقد است محققان باید حین تأمل در نمط نهم (در دفتر آخر *اشارات ابن سینا*) پیوسته صورت ابسال را مد نظر داشته باشند تا باب تأمل بسته نشود و چشم‌اندازهای پژوهشگر رو به گسترش باشد (ص ۴۲۱).

هم‌چنین سؤال‌های بالا را می‌توان دربارهٔ سایر میراث‌های فکری اسلام بررسی کرد. کرین در کتاب *ابن سینا و تمثیل عرفانی* هم‌چنین تلاش می‌کند گفت‌وگویی درون-فرهنگی میان عطار و احمد غزالی برقرار کند و در این زمینه به مقایسهٔ *منطق الطیر* عطار با سلوک عارفانهٔ احمد غزالی می‌پردازد؛ این گفت‌وگوی میان-فرهنگی می‌تواند الگوی خوبی برای پژوهشگران جامعهٔ علمی ایران اسلامی باشد (ص ۳۵۰).

هانری کرین با ارائهٔ روش‌شناسی تحقیق خود راهی جدید پیش روی محققان ایرانی می‌گشاید و می‌نویسد: می‌توان *حکمة الاشراق* سهروردی را بدون هیچ واسطه‌ای به سطرهای پایانی *شفای ابن سینا* ضمیمه کرد تا روشن شود حکیم کامل انسانی است که با صفات و کمالاتی آرمانی توصیف شده است؛ انسانی که پیروان مذهب امامیه شخصیت آرمانی‌شان را در او جست‌وجو می‌کنند. ملاحظه می‌شود کرین با تلفیق دو متن حکمت شیعی یعنی *حکمة الاشراق* و *شفا* به این نتیجهٔ مهم رسیده است. وی عقیده دارد با متصل کردن جملات پایانی *شفا* به مقدمهٔ *حکمة الاشراق* مشاهده می‌شود که فقط تغییر و تبدیل مختصری برای این پیوستگی کفایت می‌کند؛ همان‌گونه که پیش‌تر وی از رسالهٔ *حی بن یقطان ابن سینا* به *قصهٔ الغریبه الغریبه* سهروردی منتقل شده بود (ص ۴۳۰).

کرین هم‌چنین دربارهٔ تشیع ابن سینا می‌نویسد: ابن سینا که فیلسوف و حکیمی مشرقی است مذهب امامیه را در خود عینیت بخشیده بود. کرین عقیده دارد تشیعی که ابن سینا معرفی کرده است با عملکردهای صرفاً فرقه‌گرایانه تفاوت دارد (ص ۴۳۵). به‌بیانی دیگر، این اسلام‌شناس فرانسوی معتقد است مذهب امامیه در ابن سینا ذاتی شده بود و فرقه‌گرایی‌ای عرضی نبود تا فقط در کسوت شیعی ظاهر شده باشد، اما از روح شیعی محروم باشد.

هانری کرین نقشی اساسی برای حکمت سینوی در تشیع قائل است و پژوهشگران شیعه را متکفل ادامهٔ این امر می‌داند. وی در این زمینه به قواعد پژوهش اشاره می‌کند و

می‌نویسد: شایسته نیست پژوهشگر در برابر نظریه‌ها و تجربه‌های گذشته به گونه‌ای منفعلانه زانو بزند؛ چنان‌که نباید به گونه‌ای تقابلی و سلبی به منازعه با نظریه‌های قبلی بپردازد، بلکه باید آن نظریه‌ها و تجربیات را در خویش جای دهد و با نظریه‌های تکامل یافته جدید بر آن‌ها غلبه کند (ص ۴۳۹). اما با وجود آن‌که شرح تمثیلات سینوی مقدمه رمزگشایی از آن‌هاست، متأسفانه در اندیشه کنونی متفکران ایرانی - اسلامی شروح آثار تمثیلی به مرتبه‌ای از بداهت تنزل یافته‌اند که از آثار تمثیلی ابن‌سینا و سهروردی چیزی جز مجازهایی رنگ‌باخته بر جای نمی‌ماند (صص ۴۴۱-۴۴۲). او با این عبارات به شروحو اشاره می‌کند که رمزهای عرفانی را تا حد مجاز تنزل داده‌اند و نتوانسته‌اند با رمزگشایی از حکایات تمثیلی آن‌ها را به گفتمان‌های معرفتی تبدیل کنند (ص ۴۲۲). کربن معتقد است امروزه تفکر نظری و حیات معنوی شیعه می‌تواند معنای نوینی از حکمت مشرقی ابن‌سینا کسب کند؛ چنان‌که نورالله شوشتری و سیداحمد علوی از جمله سیناییانی بوده‌اند که نظریه وی را بازاندیشی و بازسازی کرده‌اند. بسیاری از متفکران دیگر نیز مانند آنان چنین رویکردی به نظریه ابن‌سینا داشته‌اند، اما متأسفانه بسیاری از علما و فقهای سنی مذهب ابن‌سینای مسلمان و آثارش را تکفیر کرده‌اند. کربن در این باره می‌نویسد: تکفیر فقهای اهل تسنن نتیجه کاملاً طبیعی اعتقاد ابن‌سینا به احوالی چون قدم عالم و سلسله عقول ملک‌کی به‌عنوان حد واسط خالق واجب‌الوجود و مخلوقات ممکن‌الوجود است (صص ۴۲۵-۴۲۶).

مسئله کلیدی امامت یکی از مسائلی است که توجه هانری کربن در حکمت شیعی را جلب کرده است. وی در پایان کتاب چشم‌اندازهای سینایی این مقوله را بررسی می‌کند و می‌نویسد: ابن‌سینا شخصیت و ذات امام را برترین غایت عرفان و مثل‌اعلای حکیم می‌داند و عقیده دارد حکیم کامل خود نیز تجسم این صورت است. کربن هم‌چنین می‌نویسد: مکتب سینایی - اشراقی امام‌شناسی را در قالب گونه‌ای از انسان‌شناسی مابعدالطبیعی و عرفانی شرح داده است؛ بر این اساس، تصور امامت کاملاً با آرمان مدینه فاضله‌ای منطبق است که در آن بر مدار امام برحق، که وارث حقیقی پیامبر و خزانه معنای پنهان وحی است، مرجعیتی روحانی - دنیوی شکل می‌گیرد. به این ترتیب، مذهب امامیه به برکت مفهوم «امام غایب» و «غیبت کبری» که غایت اخروی را تقویت کرده است توانسته خود را حفظ کند و فرصتی تأویلی در اختیار حکیمان عارف قرار دهد؛ تأویلی که غیبت امام را به فکرت حکومت نامرئی حکیم کامل باز می‌گرداند. بر این اساس، صرف حضور حکیم کاملی که از دیده عوام‌الناس دور است شرط لازم و کافی شکوفایی خمیرمایه حکمت در میان امت

است تا جماعتی بشری با قطبیت امام تداوم یابد. کربن در این باره می‌نویسد: شاید بتوان داستان غم‌انگیز ابدال را هم چون الهه‌ای در ورای معنای مرئی تاریخ و نیز به معنای امام‌باورانه قابل قبولی تفسیر کرد (صص ۴۲۷-۴۲۸).

کربن برای اثبات وجود امام در تفکر شیعی هم چون مرکز دایره حکمت و فلک حقیقت به پیامبر استناد می‌کند که به امام اول (ع) فرمود: «ای علی چون مردم در کثرت عبادت رنج برند، تو در ادراک معقولات رنج ببر تا بر همه سبقت بگیری» و از *معراج‌نامه* ابن سینا نقل می‌کند که مخاطب این فرموده پیامبر کسی است که در میان صحابه (که گزیده انسان‌هایند) به سان معقول در میان محسوس است (صص ۴۲۹-۴۳۰).

کربن معتقد است، در رویکرد مشرقی ابن سینا شخصیت امام همه افق تعالی و فوق آگاهی را در بر می‌گیرد؛ همان‌گونه که در توصیف حالت عرفانی نفس گفته شده «خویش را به عنوان مشاهده‌کننده مشاهده می‌کند»؛ یعنی هم شاهد است و هم مشهود و این مشاهده نسبت امام را با عموم بشریت حتی با صحابه پیامبر (ص) به مثابه نسبت معقول به محسوس معرفی می‌کند.

کربن عقیده دارد وقتی پیامبر از امام به عنوان «معقول» تعبیر می‌کند بدین معناست که امام هم غایت قصوی و هم مقصد اصلی است و این‌گونه امام‌شناسی «غایت انسان‌شناسی عرفانی» را به معنای دقیق کلمه تعیین و تصویر می‌کند (صص ۴۳۲-۴۳۳). در این رویکرد شیعی، امام دارای تسلطی عرفانی بر عالم است و این تسلط به واسطه نیروی حکمتی است که بدون آن بشریت ناخودآگاه در گرداب فتنه‌ای تصورناپذیر نابود خواهد شد (ص ۴۳۴). او می‌نویسد: معرفت حقیقی امام فقط معرفت به صورت جسمانی او و معرفت به اسم عام یا نسب جسمانی او نیست، زیرا امکان چنین معرفتی برای هر خصم یا معاندی نیز وجود دارد؛ در عین حال، معرفت حقیقی او از نوع معرفت مرید ساده‌دلی نیست که تولای وی او را به جماعت امام ملحق کرده است، بلکه معرفتی بسیار عمیق یعنی معرفت به ذات امام یا به تعبیری بهتر درک چیزی است که حقیقت صفات او را می‌سازد (ص ۴۳۶).

۳. نتیجه‌گیری

آثار هانری کربن از جمله کتاب *ابن سینا و تمثیل عرفانی* به واسطه رویکرد پدیدارشناسانه وی می‌تواند نگاهی منصفانه به آثار فلسفی، حکمی، و عرفانی ایران اسلامی داشته باشد که از این منظر نکاتی چند شایسته تأمل است؛ نکاتی که متفکران و محققان ایران اسلامی

را به بازبینی و بازاندیشی میراث‌های فکری گذشتگان‌شان ترغیب می‌کند. برخی از نکات مزبور عبارت‌اند از:

۱. مقایسه عقلانیت اشراقی شیعه ایرانی با عقلانیت انتزاعی غربی؛
۲. مقایسه تأویل عرفانی در سنت سینوی با شمایل‌نگاری نفسانی در سنت هرمسی؛
۳. اختلاف میان رمز و مجاز در بررسی تمثیل‌های عرفانی؛
۴. بررسی تأثیرپذیری آگوستین قدیس از ابن‌سینا؛
۵. مقایسه مکتب سینایی لاتینی و مکتب سینایی ایرانی؛
۶. اختلاف رویکرد سوپژکتیو و رویکرد پدیدارشناسانه در بررسی آرای متفکران مسلمان ایرانی به‌دست غربی‌ها و نیز اختلاف این دو رویکرد در بررسی آرای متفکران غربی به‌دست مسلمانان؛
۷. مقایسه اسطوره‌های غربی و شرقی برای یافتن ریشه‌های مشترک به‌منظور گفت‌وگو و تعامل میان فرهنگ‌های گوناگون؛
۸. ضرورت مقایسه‌های میان-فرهنگی و مقایسه‌های درون-فرهنگی به‌دست متفکران مسلمان ایرانی؛
۹. تطبیق حکمت مشرقی شرقی با حکمت مشرقی غربی و اخذ نقاط اشتراک و تمایز آن‌ها؛
۱۰. توجه به بررسی تفکر شیعی در دو رویکرد ذاتی (در خود جا دادن تشیع) و عرضی (به لباس شیعه درآمدن)؛
۱۱. ریشه‌یابی حکمت مشرقی در تفکر پیشینیان ابن‌سینا و سهروردی؛
۱۲. روزآمدسازی سنت سینوی و سایر میراث‌های فکری حکمای اسلامی-ایرانی؛
۱۳. توجه به امام‌شناسی کربن به‌عنوان مبدأ، طریق، و مقصد حکمت شیعی و لزوم حضور دائمی امام به‌عنوان روح و معنای حیات بشری و تحقق‌بخش عقلانیت، حکمت، و معنویت در میان بشریت؛
۱۴. توجه به این نکته مهم که هانری کربن نگاهی برون‌دینی دارد و اندیشمندان ایران اسلامی با نگاه درون‌دینی خود می‌توانند با بهره از روش کربن و نیز از زاویه دید او حقایق حکمت دینی خود را در حوزه‌ای وسیع‌تر بررسی کنند تا با تبعی جامع‌تر از قبل میراث‌های فکری خود را در صحنه گفت‌وگوی جهانی عرضه کنند.

پی‌نوشت‌ها

۱. کربن، هانری (۱۳۸۳). *تخیل خلاق در عرفان ابن عربی*، ترجمه انشاءالله رحمتی، تهران: جامی.
کربن، هانری (۱۳۸۹). *چشم‌اندازهای معنوی و فلسفی اسلام ایرانی*، ج ۱ و ۲، ترجمه انشاءالله رحمتی، تهران: سوفیا.
- کربن، هانری (۱۳۹۰ الف). *معبد و مکاشفه*، ترجمه انشاءالله رحمتی، تهران: سوفیا.
- کربن، هانری (۱۳۹۰ ب). *واقع‌نگاری رنگ‌ها و علم میزان*، ترجمه انشاءالله رحمتی، تهران: سوفیا.
2. Hume, 1962: 302.
۳. صدرالدین شیرازی، ۱۴۱۰: ۳۲۷.
4. Antoine, 1995: 39.
5. Hamilton, 1969: 73.

کتاب‌نامه

- صدرالدین شیرازی (۱۴۱۰ ق). *الحکمه المتعالیه فی الاسفار الاربعه*، ج ۳، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- کربن، هانری (۱۳۸۹). *ابن سینا و تمثیل عرفانی*، ترجمه انشاءالله رحمتی، تهران: سوفیا، بنیاد علمی و فرهنگی بوعلی سینا.
- Antoine, Faivre (1995). *The Eternal Hermes from Greek god to the Alchemical Magus with Thirty Nine Plates*, Translated by Godwin, Phanes Press.
- Hume, David (1962). *A Treatise of Human Nature*, Meridian Books.
- Hamilton, Edith (1969). *Mythology*, Doris Fielding Reid.